Vol. 11 | No. 3151 | Thu. Oct 2. 2025 | پنجشنبه ۱۰ مهر ۱۴۰۴ | ۹ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷ | سال دوازدهم | شماره ۳۱۵۱ | ۸ صفحه | قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

WWW.TAADOLNEWSPAPER.IR

تعادل

نیاز اقتصاد ایران

دلار	یورو	تمام‌سکه	شاخص بورس
--	--	۱۱۵۰۱۰۰۰۰	۲۷۲۸۴۸۴

تحریم‌های جدید از نگاه جهانی مشروع نیستند

روایت ایران از کارشکنی غربی‌ها در مذاکره

صفحه ۲

یکی از چالش‌های جدی منابع آبی ایران

حقابه ایران وعده‌ای که به تحقق نرسید

صفحه ۳

بازار مسکن در وضعیت انتظار

سیگنال رکود تا سال ۱۴۰۷

بازار مسکن ایران، به‌ویژه در پایتخت، در شهریور ۱۴۰۴ با نشانه‌های آشکار رکود، بی‌ثباتی و خروج چشم‌گیر طرفین عرضه و تقاضا مواجه شده است. بررسی داده‌های آماری از سامانه‌های ملکی، اظهارات مسوولان صنفی و تحلیل شرایط سیاسی-اقتصادی کشور نشان می‌دهد که این بازار نه‌تنها به مرحله‌ای از ایستایی رسیده بلکه احتمال می‌رود تا ۱۰ تا ۱۲ فصل آینده نیز در همین وضعیت باقی بماند. طبق داده‌های منتشرشده از سامانه کیلید، میانگین قیمت پیشنهادی فروش هر متر مربع آپارتمان در شهر تهران در شهریور ۱۴۰۴ به ۱۰۵ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان رسیده که نسبت به مدت مشابه سال گذشته...

صفحه ۵ را بخوانید

دولت ترامپ تعطیل شد

بحرانی سیاسی با پیامدهای جدی اقتصادی در داخل و خارج امریکا

با شکست قانونگذاران امریکایی در تصویب طرح بودجه، دولت فدرال ایالات‌متحده از نیمه شب چهارشنبه (به وقت محلی) رسما تعطیل شد. به گزارش تارنمای هیل، رهبران کنگره پس از روزها مذاکره فشرده نتوانستند بر سر لایحه بودجه موقت به توافق برسند و تلاش‌های آنها برای شکستن بن‌بست به نتیجه نرسید.

این تعطیلی پس از آن قطعی شد که نمایندگان عصر سه‌شنبه به دو بسته بودجه موقت—یکی موسوم به لایحه «clean» ارایه شده از سوی جمهوری‌خواهان و دیگری با اولویت‌های مورد نظر دموکرات‌ها—رای منفی دادند. درحالی که رای‌گیری‌ها شکست خورد، گفت‌وگوهای جدی میان رهبران دو حزب برای یافتن مسیر مصالحه نیز انجام نشد و هر دو طرف یکدیگر را مسوول تعطیلی دولت معرفی کردند. جان تون، رهبر جمهوری‌خواه اکثریت سنا، پس از رای‌گیری گفت: «گروه دموکرات‌ها در سنا تصمیم گرفتند دولت را به خاطر یک لایحه بودجه بی‌طرفانه و غیرحزبی تعطیل کنند. درست است—یک لایحه بی‌طرفانه. آنها تحت فشار گروه‌های چپ افراطی چنین کردند.» در مقابل، چاک شومر، رهبر دموکرات‌ها، جمهوری‌خواهان را مسوول این وضعیت دانست و تاکید کرد: «آنها مذاکرات دوحزبی را رد کردند، یک لایحه حزبی را پیش بردند و بدتر از همه، مراقبت‌های بهداشتی مردم امریکا را به خطر انداختند.» با شروع تعطیلی، بسیاری از وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی برنامه‌های کاهش فعالیت را آغاز کردند. انتظار می‌رود میلیون‌ها کارمند دولت فدرال یا به مرخصی اجباری بروند یا بدون دریافت حقوق به کار خود ادامه دهند. این وضعیت یادآور بحران‌های مشابه در گذشته است؛ تعطیلی کنونی چهارمین مورد در قرن بیست‌ویکم و نخستین تعطیلی از سال ۲۰۱۹ است، زمانی که اختلاف بر سر بودجه دیوار مرزی به طولانی‌ترین تعطیلی تاریخ امریکا (۳۵ روز) انجامید. دونالد ترامپ، رییس جمهور پیشین امریکا، نیز با بهره‌گیری از این بحران به دولت بایدن حمله کرد. او در بیانیه‌ای گفت: «این تعطیلی نتیجه بی‌کفایتی و سوءمدیریت دموکرات‌هاست. آنها پول مالیات‌دهندگان را به پروژه‌های بی‌ثمر و جنگ‌های خارجی اختصاص می‌دهند و حالا حتی نمی‌توانند بودجه کشور را مدیریت کنند.» ترامپ افزود که جمهوری‌خواهان باید «در برابر امتیاز دادن به دموکرات‌ها مقاومت کنند» و اجازه ندهند کسری بودجه بیش از این افزایش یابد.

او همچنین هشدار داد: «اگر امروز عقب‌نشینی کنیم، فردا امریکا بدهی‌های سنگین‌تری خواهد داشت. منابع این کشور باید صرف مردم امریکا شود، نه کشورهای دیگر.» اظهارات او که همچنان در بدنه جمهوری‌خواهان نفوذ دارد، فضای مصالحه میان دو حزب را دشوارتر کرده است.

تعطیلی دولت امریکا تنها یک بحران سیاسی داخلی نیست؛ بازارهای مالی جهان نیز به سرعت واکنش نشان داده‌اند. در نخستین ساعات تعطیلی، شاخص دلار با کاهش روبه‌رو شد و نگرانی‌ها از بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران نسبت به توانایی واشنگتن در مدیریت مالی افزایش یافت. در مقابل، تقاضا برای طلا به عنوان دارایی امن بالا رفت و قیمت جهانی این فلز گران‌بها رشد چشمگیری را تجربه کرد. کارشناسان می‌گویند ادامه این روند می‌تواند به نوسانات شدید در بازارهای ارز و کالا منجر شود و فشار مضاعفی بر اقتصادهای نوظهور وارد کند.

برای اقتصاد داخلی امریکا نیز پیامدها قابل توجه است. افت ارزش دلار شاید در کوتاه‌مدت به نفع صادرکنندگان باشد، اما هزینه واردات کالاها برای شهروندان را افزایش خواهد داد و تورم بیشتری به همراه می‌آورد. مرخصی اجباری کارمندان دولت نیز قدرت خرید میلیون‌ها خانواده را کاهش می‌دهد و بر رشد اقتصادی اثر منفی خواهد گذاشت. از سوی دیگر، ادامه افزایش قیمت طلا می‌تواند سرمایه‌ها را از بازار سهام دور کند و بر شاخص‌های بورسی فشار وارد آورد. این تعطیلی در حالی رخ داده که بدهی دولت امریکا در سطحی بی‌سابقه قرار دارد و هر گونه اختلال در عملکرد مالی دولت می‌تواند اعتماد عمومی به نهادهای سیاسی و اقتصادی این کشور را متزلزل کند. تام تیلیس، سناتور جمهوری‌خواه، در اظهاراتی صریح گفت: «کار زیادی باید انجام شود. من حتی نمی‌دانم در حال حاضر مسیر چیست.» این جمله به خوبی سردرگمی حاکم بر واشنگتن را بازتاب می‌دهد؛ وضعیتی که نه‌تنها آینده سیاسی امریکا، بلکه ثبات اقتصاد جهانی را نیز در معرض خطر قرار داده است.

یادداشت-۱

اصلاحات داخلی شاه‌کلید مقابله با ماشه (۲)

مرتضی عزتی

در یادداشت نخست با موضوع فعال‌سازی مکانیسم ماشه ابعاد بین‌المللی و بیرونی مرتبط با موضوع تحریم‌های تازه بررسی شد. در بخش دوم این یادداشت به آن دسته از اصلاحات ضروری اشاره می‌شود که اعمال آنها در بخش داخلی باعث کم‌شدن اثرات تحریم‌ها می‌شود.

۱) طی سال‌های گذشته سیاست‌های اقتصادی کشور عمدتا سیاست‌هایی ضد تولید بوده‌اند. باید اعتراف کرد که سیاستگذاران ایرانی درک روشنی از اهمیت تولید نداشته و برای رونق تولید برنامه‌ریزی نکرده‌اند. آنها متوجه نیستند که آینده کشور در گروی رشد تولید و صادرات است. به همین دلیل است که عمدتا سیاست‌هایی در ایران اجرایی می‌شوند که تنها گرهی از مشکلات تولید کشور باز نمی‌کنند، بلکه به تولید ضربه می‌زنند. اولویت دولت‌های ایرانی، رفع روزمرگی‌های کشور بوده و مسوولان ایرانی هرگز دورنمای بلندمدت‌تر پیش روی اقتصاد کشور را نمی‌دیدند. به همین دلیل است که وقتی با ناترازی برق مواجه می‌شوند، بلافاصله برق تولید کشور را قطع کرده و جلوی فعالیت‌های تولیدی کشور را می‌گیرند. در یک‌سال گذشته که شامل زمستان گذشته و تابستان امسال است، بیش از ۱۰ درصد تولید واحدهای تولیدی مستقر در مناطق صنعتی کاهش یافته است. این رقم برای شرکت‌های تولیدی در شهرک‌های صنعتی بیش از ۲۰ درصد افت تولید بوده است. ۲۰ درصد افت تولید یعنی ۲۰ درصد کاهش درآمد مردم و رفاه جامعه، ۲۰ درصد کاهش صادرات و ۲۰ درصد کمتر رشد اقتصادی. از شما می‌پرسم مردمی که پول و درآمد ندارند، برق را می‌خواهند چه کنند؟ این گونه است که می‌گویم درک درستی از تولید میان سیاستگذاران و تصمیم‌سازان وجود ندارد. تولید باید رشد کند تا برای مردم رفاه فراهم شود. مسوولان اما تنها نوک دماغ خود را می‌بینند. آنها می‌گویند برق خانگی فعلا قطع نشود و نارضایتی ایجاد نشود! تا فردا که خدا بزرگ است!!! این در حالی است که تولید مهم‌ترین عامل برای پایداری اقتصاد و رفاه مردم است. اگر مدیران ایرانی مانند چند سال اخیر به تولید اهمیت نداده، شعار دهند و به مطالبات فعالان تولیدی کشور گوش ندهند، پایداری اقتصاد ایران کاهش می‌یابد.

۲) ایران زمانی می‌تواند در برابر فشارهای خارجی از جمله تحریم‌ها و حتی جنگ مقاومت کند که مردم از یک درآمد و رفاه پایدار برخوردار باشند. پولی که دولت به عنوان یارانه می‌دهد و برای تامین منابع یارانه‌ها، استقراض و تورم ایجاد می‌کند درآمد نیست، توزیع فقر است. تنها درآمدی مقاومت اقتصاد را بالا می‌برد که از طریق رشد تولید ایجاد شده باشد. یارانه‌ای که با ایجاد تورم، استقراض و رشد نقدینگی، توزیع می‌شود فقط فقر مطلق را گسترش می‌دهد، چراکه بیش از یارانه، تورم پمپاژ می‌شود. از سال ۹۰ به این سو با توزیع یارانه‌ها و افزایش آن طی سال‌های اخیر نشان می‌دهد که تورم هم بالا رفته است. عواملی که دولت از آنها استفاده می‌کند و یارانه را تامین می‌کند، تورمی بیشتر از یارانه به مردم تحمیل می‌کنند. برای بهبود وضعیت تولید، اولا باید اولویت در همه زمینه‌های تولید باشد. از سوی دیگر ارایه تسهیلات به بخش‌های سوداگرانه و غیرمولد کاهش یافته و در اختیار تولید قرار گیرد. اگر تسهیلات به سمت تولید برود، هم رشد تولید بالا رفته و هم تجارت و هم مصرف وضعیت بهتری خواهند داشت.

۳) یکی از موانع اصلی رشد تولید، مقررات دست و پا گیر دولتی است. مجوزها، امضاها، موافقت اصولی‌ها و... مشکلات عدیده‌ای را برای تولید کشور ایجاد کرده‌اند. مثلا یک واحد تولیدی تصمیم می‌گیرد مجوز تولید کالای خوراکی بگیرد. این محصول تولیدی در ادامه نیازمند دریافت استعلام‌ها از ۱۰ الی ۱۵ نهاد مرتبط با وزارت صمت و... است. هر استعلامی هم چند ماه زمان نیاز دارد. در ادامه کسب مجوزهای مرتبط با پروانه بهداشتی هم هفت‌خوانی پیش روی فعال اقتصادی ایجاد می‌کند. مجوزهای استاندارد، مرحله بعد این چرخه پایان‌ناپذیر را شکل می‌دهد. در واقع بدون اینکه عوامل واقعی وجود داشته باشد پیش پای تولیدکننده مانع و موانع بسیاری گذاشته می‌شود. فعال اقتصادی را در خصوص مواردی چون بیمه، فناوری و... تحت فشار می‌گذارند بدون اینکه این فشارها در حوزه‌های واقعی مرتبط با تولید و افزایش کیفی و کمی آن اثر گذاشته باشد. چنین مشکلاتی باعث می‌شود، مردم و اقتصاد ایران در برابر تحریم‌ها و محدودیت‌هایی ایجاد شده از سوی غربی‌ها، فشار بیشتری را متحمل شوند. بنابراین برای بهبود شاخص‌های اقتصادی، باید زمینه رشد تولید را در کشور فراهم کرد. رشد تولید هم به مواردی چون سرمایه در گردش مناسب، تسهیل در کسب مجوزها و در کل اولویت قرار گرفتن اقتصاد نیاز دارد.

یادداشت-۲

اعتماد به بورس بازمی‌گردد؟

فردین آقابزرگی

طی هفته جاری، بازار سرمایه نشانه‌هایی از روند مثبت به نمایش گذاشته است؛ با توجه به متغیرهای سیاسی، اقتصادی و حتی غیراقتصادی، انتظار رشد پایدار چندان منطقی نیست. در شرایط کنونی حداقل می‌توان گفت که دلیلی برای تغییر بنیادی در وضعیت بازار وجود ندارد و ادامه مسیر صعودی جای تردید جدی دارد.

با قطعی شدن مکانیسم ماشه و افزایش تحریم‌ها، شرکت‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ یک گروه شرکت‌هایی هستند که از تحریم‌ها آسیب بیشتری می‌بینند. گروه دیگر شرکت‌هایی هستند که به دلیل شرایط تحریم، عرصه فعالیت برایشان تنگ‌تر نشده و حتی رقبای خارجی آنها از میدان به در می‌شوند. در میان‌مدت یعنی دو سال به بالا، متغیرهای کلان اقتصادی مسیر بازار ارز را تعیین می‌کنند. نرخ تورم، رشد اقتصادی، رشد حجم نقدینگی، نرخ بهره، سیاست‌های پولی و مالی، ناترازی دولت و کسری بودجه از عوامل اصلی هستند.

با این حال زمانی که تقاضا در بازار بالا می‌رود، بحث عرضه‌های اولیه به عنوان ابزاری برای کنترل شرایط مطرح می‌شود. در ظاهر، عرضه اولیه بخشی از وظایف طبیعی بازار است؛ چراکه تامین مالی شرکت‌ها و تامین نقدینگی برای تولید و صنعت در همین قالب انجام می‌شود. اما اگر این ابزار صرفا به عنوان اهرم کنترلی استفاده شود، هدف اصلی بازار سرمایه یعنی تامین مالی سالم تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد. عرضه اولیه باید در شرایط متعادل بازار و با کشش جذب نقدینگی صورت بگیرد، نه اینکه صرفا با نیت مدیریت مقطعی تقاضا به کار بسته شود.

یکی دیگر از شیوه‌های نادرست که در سال‌های اخیر به چشم خورده، تزریق مستقیم منابع مالی به بازار تحت عنوان حمایت بوده است. تجربه تاریخی، به‌ویژه پس از بحران‌های کوتاه‌مدت، نشان داده که این روش تنها منجر به حبس نقدینگی در بخش‌های محدود می‌شود. در هیچ نقطه‌ای از جهان رایج نیست که دولت یا نهادهای ناظر بانک‌ها را مستقیما به خرید سهام وادار کنند. چنین اقداماتی اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت موجب رشد شاخص شود، اما در بلندمدت به بی‌اعتمادی و خروج سرمایه‌گذاران منتهی خواهد شد.

مدیریت صحیح بازار به جای ورود مستقیم و دستوری، نیازمند تقویت نهادهای مالی و بازیگران اصلی بازار است. در بسیاری از کشورها، نقدینگی به سمت تقویت بنیه مالی بازارگردان‌ها و مدیران سرمایه‌گذاری هدایت می‌شود. این بازیگران با منابع قوی‌تر می‌توانند نقش موثرتر و پایدارتری در متعادل‌سازی بازار ایفا کنند. بنابراین، به جای آنکه چند بانک یا نهاد مالی مامور خرید مقطعی سهام شوند، بهتر است ظرفیت صندوق‌های سرمایه‌گذاری و بازارگردان‌ها افزایش یابد تا به‌طور طبیعی نقدینگی را به گردش درآورند.

واقعیت این است که بورس بیش از هر زمان دیگری به رویکردی مبتنی بر قواعد حرفه‌ای نیاز دارد. هر تصمیمی که بر پایه کنترل‌های دستوری و مقطعی اتخاذ شود، تنها به تشدید بی‌اعتمادی و خروج سرمایه منجر خواهد شد. اکنون که بازار سه روز مثبت را پشت سر گذاشته، آزمونی جدی پیش روی سیاستگذاران قرار دارد: آیا مسیر درست، یعنی تقویت نهادهای مالی و حرکت در چارچوب ماموریت‌های واقعی بورس انتخاب خواهد شد یا باز هم تکرار خطاهایی چون تزریق دستوری نقدینگی و عرضه‌های شتاب‌زده ادامه می‌یابد.

یادداشت-۳

رکود مسکن و فقدان تعادل در عرضه و تقاضا

محمدرضا منجذب

وضعیت فعلی بازار مسکن و دورنمای آن چگونه خواهد بود و چه تصویری می‌توان از این بازار در چشم‌انداز پیش رو ارایه کرد؟ با توجه به اینکه سهم مسکن در اقتصاد ایران و معیشت خانوارهای ایرانی یک سهم بالاست، یافتن پاسخی برای این پرسش در شرایط فعلی که بازار مسکن با معضلات فراوانی روبه‌رو است، دارای اهمیت بسیاری است. واقع آن است که وضعیت بازار مسکن یکی از ابهامات مهم در فضای اقتصادی کشور است. رکود عمیق بازار مسکن همراه با تورم فزاینده‌ای که طی سال‌های اخیر در این بازار شکل گرفته، دست مردم را از مسکن مناسب کوتاه ساخته است. مانند هر بازار دیگری بازار مسکن نیز ارتباط مستقیمی با عرضه و تقاضای مسکن دارد. در شرایط فعلی اما تعمیق رکود مسکن به همراه تشدید تورم تولید «ساخت‌وساز» را از سکه انداخت.

براساس آمارهای ارایه شده، تعداد واحدهای مسکونی جدید در تهران ۱۰ درصد کاهش یافته است. در فصل اول سال ۱۴۰۴، تعداد واحدهای مسکونی جدید که ساخت آنها در شهرهای کشور شروع شده ۲۰ درصد نسبت به بهار سال گذشته کاهش یافته و به ۱۰۹ هزار واحد رسیده است. اما باید دید چرا یک چنین کاهشی در ساخت و عرضه مسکن رخ داده و تبعات یک چنین کاهشی در ساخت و سازها چه خواهد بود؟ به طور کلی دلایل تورم رکودی در بخش مسکن عبارتند از:

اول) مشکلات اقتصادی: نوسانات اقتصادی، تورم بالا و کاهش قدرت خرید مردم باعث شده تا بسیاری از افراد قدرت خرید خانه نداشته باشند و این موضوع به کاهش تقاضا برای مسکن منجر شده است.

دوم) کمبود سرمایه‌گذاری: عدم سرمایه‌گذاری کافی در بخش مسکن، به‌ویژه از سوی بخش خصوصی، می‌تواند موجب کاهش تولید مسکن شود. شرایط نامساعد اقتصادی و عدم اطمینان نسبت به آینده ممکن است سرمایه‌گذاران را از ورود به این بازار منصرف کند.

سوم) محدودیت‌های قانونی و اداری: پیچیدگی‌های قانونی و بروکراسی‌های مربوط به صدور مجوز ساخت و ساز می‌تواند روند تولید مسکن را کند کند. همچنین، قوانین مربوط به زمین و مالکیت نیز می‌تواند مانع از توسعه پروژه‌های مسکونی شود.

چهارم) افزایش هزینه‌های ساخت: افزایش قیمت مصالح ساختمانی، قیمت زمین و دستمزد کارگران به دلیل تورم و نوسانات ارزی می‌تواند هزینه‌های ساخت را بالا ببرد و با کاهش حاشیه سود تولیدکنندگان مسکن تولید مسکن کاهش یافته است.

پنجم) عدم برنامه‌ریزی مناسب: عدم وجود برنامه‌ریزی جامع و مناسب در حوزه مسکن، به‌ویژه در زمینه تامین زمین و زیرساخت‌ها، می‌تواند به کاهش تولید مسکن منجر شود.

ششم) تغییرات جمعیتی: تغییرات در الگوهای جمعیتی، مانند مهاجرت به شهرهای بزرگ‌تر یا کاهش نرخ زاد و ولد، می‌تواند بر تقاضا و نیاز به مسکن تاثیر بگذارد. همچنین میل به مهاجرت به خارج از کشور اگر تشدید گردد.

هفتم) سیاست‌های ناکارآمد: سیاست‌های ناکارآمد دولت در حوزه مسکن، نظیر عدم حمایت کافی از ساخت و ساز یا برنامه‌های ناموفق در تامین مسکن اجتماعی، باعث خروج تولیدکننده اصلی شده است. روندی که می‌تواند به کاهش تولید مسکن منجر شود...

ادامه در صفحه ۳

مرکز پژوهش‌های مجلس از انحراف در مسیر توسعه خودروسازی گزارش می‌دهد

مونتاژکاران بدون دستاورد

تعادل | صنعت خودروی ایران با غلبه سیاست مونتاژ، به واردات قطعه و مصرف بی‌حاصل منابع ارزی وابسته شده است؛ مسیری که مانع توسعه فناوری و صنعتی می‌شود. رونق مونتاژکاری، در ظاهر به افزایش تیراژ کمک می‌کند اما در واقع صنعت خودرو را از مسیر توسعه واقعی منحرف کرده و آن را به واردات‌محوری و اتلاف منابع ارزی وابسته می‌سازد. ادامه این روند به معنای تثبیت تولیدی کم‌عمق، فاقد فناوری و غیرمولد است که هیچ دستاوردی جز وابستگی بیشتر و عقب‌ماندگی...

صفحه ۷ را بخوانید

«تعادل» بررسی می‌کند

تغییر روند بازار سهام

شاخص‌های بازار سهام در آخرین روز کاری هفته تغییر مسیر دادند و در این روز شاهد سرخ‌پوش شدن شاخص‌های بازار بودیم. دلایل مختلفی می‌توان برای این روند داشت اما برخی از کارشناسان عقیده دارند که شاید این روند ناشی از استراحت است و احتمالا در هفته پیش رو شاخص دوباره بتواند چند روز سبزی را پشت سر بگذارد. این موضوع در حالی است که تنش اخبار سیاسی در بالاترین حد خود قرار دارد و بازارهای مالی دیگر همانند بازار طلا، سکه و دلار پس از یک استراحت...

صفحه ۴ را بخوانید

یادداشت-۴

جایگاه بخش خصوصی در تحریم

مجیدرضا حریری

در خصوص هر آنچه به عنوان حقوق تجاری شناخته می‌شود، ما نباید هیچ‌گونه اثری را از طریق قطعنامه‌هایی که در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ (پنج قطعنامه‌ای که شورای امنیت علیه ایران تصویب کرده است) متحمل شویم. تمامی این قطعنامه‌ها متمرکز بر صنایع هسته‌ای و بخشی از صنایع موشکی کشور هستند؛ یعنی صرفا مباحث نظامی در آنها مطرح شده و آن هم نه در تمامی حوزه‌های نظامی، بلکه فقط در بخش صنایع هسته‌ای و بخشی از صنایع موشکی که تحت تحریم قرار گرفته‌اند. تحریم‌ها در حوزه حمل‌ونقل، حوزه پولی-مالی و همچنین در حوزه فناوری به بخش‌هایی از صنایع نظامی ما مرتبط شده است. اما آنچه از منظر واقعیت موجود تاثیرگذار است، مساله‌ای بود که در همین ۷ تا ۱۰ روز اخیر مشاهده شد؛ دلار در بازه‌ای کوتاه‌مدت، از ۱۰۰ به ۱۱۰ هزار تومان افزایش قیمت پیدا کرد که این امر جامعه را متشنج ساخته و یک اثر روانی ایجاد کرده است. یکی از اهداف اصلی تحریم‌کنندگان نیز همین است؛ یعنی بیش از آنکه به دنبال مشاهده اثر واقعی تحریم باشند، به دنبال ایجاد اثرات روانی و آشفتگی در جامعه هستند. هم در میان فعالان اقتصادی و هم در بازار واقعی. علت این امر آن است که رسانه در داخل کشور مرجعیت خود را از دست داده و گوش مردم به رسانه‌هایی سپرده شده که اختیارشان در دست همان کسانی است که کشور را تحریم می‌کنند. علاوه بر این، در داخل نیز گروهی ناراضی وجود دارند که به هر دلیلی تمایل دارند این نظام از نظر سیاسی آسیب ببیند و به همین دلیل در فضای روانی ناشی از تحریم‌های سازمان ملل دامن می‌زنند. طبق آنچه مشخص است؛ از منظر حقوق تجاری، هیچ اتفاق تازه و بزرگ‌تری نسبت به شرایطی که هم‌اکنون در آن قرار داریم، رخ نداده است. حمل‌ونقل ما اصولا تحریم بوده، بانک‌ها تحریم بوده‌اند، تجارت نفتی و غیرنفتی تحت فشار تحریم‌ها قرار داشته و اکنون نهایتا ممکن است کشتی‌ها را بیشتر مورد بررسی قرار دهند که پیش از این نیز امریکا چنین اقدامی را در جاهایی که زورش می‌رسید، انجام می‌داد. بنابراین، من تغییر و تحول جدیدی در حوزه اقتصادی برای تجار به ویژه تجار بخش خصوصی مشاهده نمی‌کنم. آنچه الان در کشور وجود دارد، یک وضعیت روانی ناپایدار است و به نظر من باید همه تلاش کنیم روی همین وضعیت ناپایدار روانی کار شود و به مردم اطمینان بدهیم که نباید انتظار رخداد جدیدی داشته باشند. باید بدانیم که بیش از ۸۰ درصد تجارت خارجی ما توسط بخش‌های حاکمیتی اعم از دولت یا سایر نهادها انجام می‌شود و کمتر از ۲۰ درصد توسط بخش خصوصی صورت می‌گیرد...

ادامه در صفحه ۳